

تاریخ علم، دوره ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۲۱-۲۳۷

## درآمدی بر تشکیل داروخانه و خدمات فروش دارو در سرزمین های اسلامی

جمال موسوی

دانشیار، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران

jmoosavi@ut.ac.ir

محمد تقوی

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران

m.taqavi93@ut.ac.ir

(دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰، پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۶)

### چکیده

داروخانه به عنوان محلی برای فروش، ساخت و تجویز دارو در سرزمین های اسلامی به گونه های مختلف برقرار بود. مقاله حاضر با استناد به منابع و مآخذ تاریخی، سیر تاریخی داروفروشی در سرزمین های اسلامی را از لحاظ نام و عنوان، محل و شیوه های فروش، ساختار و چگونگی نظارت بر داروفروشی بررسی کرده است. «خزانه الشراب یا خزانه الادویة» در متون دوره اسلامی کهن ترین واژه ای است که برای داروخانه به کار رفته است. علاوه بر فروش سیار، بیمارستان ها، عطاری ها و قصر خلفا و سلاطین از جمله محل هایی بود که تجویز و فروش دارو در آن انجام می شد. داروخانه ها معمولاً دارای تشکیلات مخصوص به خود بودند و داروساز که «مهتار» یا «شرابدار» نامیده می شد، جایگاه پایین تری نسبت به پزشک داشت. برخی از داروخانه های جهان اسلام نیز به سبب نگهداری اسناد پزشکی و نیز داشتن ظروف گران قیمت از نظر علمی و هنری اهمیت داشتند.

کلیدواژه ها: داروفروشی، داروخانه، عطاری، شرابخانه، حانوت الطیب، صیدلانی.

#### مقدمه

موضوع شیوه‌های داروفروشی و ویژگی‌های آن از جمله مباحث قابل‌توجه در تاریخ پزشکی و اجتماعی جهان اسلام است که کمتر مورد بررسی و پژوهش جدی قرار گرفته است. عمده پژوهش‌ها ناظر به بیمارستان‌های دوره اسلامی است و تنها به صورت گذرا به داروخانه‌ها و عطاری‌ها که از جمله مکان‌های فروش دارو بودند، اشاره شده است.<sup>۱</sup>

با گسترش شهرهای اسلامی، آغاز نهضت ترجمه و در نتیجه ورود پزشکان غیر عرب به بغداد طی قرن‌های دوم و سوم هجری و آشنایی پزشکان مسلمان با متون پزشکی و دارویی یونانی، داروفروشی نیز به تدریج رونق گرفت و افرادی به این کار مشغول شدند. علاوه بر پزشکان، عطاران و فروشندگان دوره‌گرد نیز به فروش و حتی تجویز دارو می‌پرداختند. اشتغال دو دسته اخیر به داروفروشی غالباً بر اساس تجربه‌ها و نه دانش رسمی و کلاسیک پزشکی ایشان بود که البته گاهی تجویزهای مجرب و صائب ایشان زمینه ارتقای آنان را تا مقام طبیب دربار فراهم می‌کرد. پژوهش حاضر بر آن است تا سیر تاریخی داروخانه‌های جهان اسلام را با بررسی عناوین اطلاق‌شده بر آن، ویژگی‌ها، ساختار و چگونگی نظارت بر آنها معلوم سازد.

#### معادل‌های واژه «داروخانه»

داروخانه در دوره اسلامی با نام‌های متعددی شناخته می‌شد که کهن‌ترین آن، واژه عام «شراب‌خانه» است که در تعریب به صورت «شرابخانه» و «خزانه الشراب» نیز به کار رفته است. اگرچه ابن مقفع در ترجمه کلیل و دمنه (ص ۱۲۷) از اصطلاح «خزانه الادویة» برای داروخانه استفاده کرده است، اما به نظر می‌رسد اطلاق «شراب‌خانه» بر داروخانه عام تر بوده است. این واژه در اصل به محل نگهداری نوشیدنی‌های مختلف شاه و خلیفه اطلاق می‌شد و احتمالاً از این رو که اکثر داروها از نوع نوشیدنی بود، هم‌زمان - به‌ویژه در قصر خلفا و پادشاهان - به عنوان داروخانه نیز کاربرد داشت. در روایت‌های دوره عباسی (۱۳۲-۶۵۶ق) عمدتاً عنوان «خزانه الشراب» در معنای عام خود به کار رفته است (نک: طبری، ج ۸، ص ۴۷۶ که در ذیل سال ۱۹۸ق به نبود آب در خزانه الشراب، و در ج ۹، ص ۲۸۱ به غارت علوفه چارپایان و خمریات خزانه الشراب در

---

۱. از باب نمونه می‌توان به آثار احمد عیسی بک، حسن تاجبخش و محمود نجم‌آبادی اشاره کرد که در موضوع تاریخ پزشکی و بیمارستان‌های اسلامی نوشته شده‌اند و در آنها تنها به صورت کوتاه و گذرا، ذیل برخی از بیمارستان‌ها به وجود داروخانه اشاره شده است.

جریان درگیری‌های مستعین و تُرکان اشاره شده است). مقریزی (در گذشته در ۸۴۵ق) نیز از ساخت خزانه‌الشراب در کنار جامع ابن طولون (قرن سوم) در فسطاط یاد می‌کند (خطط، ج ۲، ص ۴۰۵). ابن جوزی گزارش داده است که بخشی از اموال شغب، مادر مقتدر عباسی (۲۹۵-۳۲۰ق)، به خزانه‌الشراب و پزشکان آنجا اختصاص یافت (ج ۳، ص ۳۲۱). از قراین موجود در این گزارش می‌توان احتمال داد که مراد از خزانه‌الشراب در اینجا همان داروخانه بوده باشد. ابن جوزی (ج ۱۸، ص ۲۱۵) همچنین از خزانه‌الشراب دربار عباسی در قرن ششم یاد کرده است. با این همه، در الفهرست ابن ندیم (ص ۳۵۵) عنوان دکان الصیدله (ادامه مقاله) هم دیده می‌شود، اما در منابع بعدی تا آنجا که نویسندگان این مقاله جستجو کرده‌اند، به عنوان یک اصطلاح برای داروخانه به کار نرفته است.

«شراب‌خانه» در ایران، به‌ویژه از قرن ششم به بعد، عمدتاً در معنای لغوی خود، یعنی محل نگهداری و فروش شراب اطلاق می‌شد. در واقع در منابع این دوره به طور جداگانه از «داروخانه» و «شراب‌خانه» یاد شده است (نک: ظهیری سمرقندی، ص ۲۷؛ ابن اسفندیار، ص ۱۲۱؛ منهج سراج، ج ۱، ص ۳۸۰؛ حافظ ابرو، ج ۱، ص ۳۶۶؛ سمرقندی، ج ۴، ص ۷۹۳؛ خورشاه، ص ۲۸۶). «داروخانه» در خراسان بنا بر گفته تاجبخش (ص ۶۴) گاه به طور عام به بیمارستان هم اطلاق می‌شد. اشاره شمس‌الدین آملی (در گذشته در ۷۵۳ق) مبنی بر اینکه دعا در شراب‌خانه کمتر مستجاب می‌شود (ج ۱، ص ۷۴) و گزارش‌هایی از بسته شدن شراب‌خانه‌ها در کنار اماکنی چون قمارخانه‌ها و بنگ‌خانه‌ها به دستور شاه طهماسب صفوی (حکومت: ۹۳۰-۹۸۴ ه.ق) و یاد کردن از این مکان در کنار قحبه‌خانه‌ها و دستور منع ساخت آنها (قزوینی اصفهانی، ص ۲۴؛ شاردن، ج ۵، ص ۱۸۰۷) نیز نشان از اطلاق شراب‌خانه به محل فروش و مصرف مشروبات دارد. شاردن (در گذشته در ۱۷۱۳م) همچنین از عمارتی به نام شراب‌خانه در دربار شاه صفوی نام برده است که در آن مشروبات شاه نگهداری می‌شد (ج ۲، ص ۶۵۱).

در غرب جهان اسلام به‌ویژه دوره ممالیک، «خزانه‌الشراب» و فارسی شده آن به صورت «الشراب‌خانه/ شرابخانه» به داروخانه خاصه داروخانه قصر سلاطین اطلاق می‌شد. مقریزی در ضمن بخش‌های قصر سلطان، در کنار طشت‌خانه و فراش‌خانه، از شراب‌خانه (خطط، ج ۲، ص ۲۲۸) هم یاد کرده است. همو (خطط، ج ۲،

ص ۳۰۲) از شرابخانه به عنوان یکی از تسهیلات نام می‌برد که از سوی ملک بیبرس در اختیار اولین خلیفه جعلی قاهره المستنصر بالله عباسی قرار گرفته بود. همو در جایی دیگر (همان، ج ۲، ص ۲۲۲) استادار را ناظر «بیوت سلطانی» از جمله شراب‌خانه معرفی می‌کند (نیز نک: قلقشندی، ج ۳، ص ۵۴۶). اشاره قلقشندی (ج ۳، ص ۵۶۹) به اینکه بیمار داروی خود را باید از خزانه‌الشراب دریافت کند و نیز برخی از گزارش‌های دیگر او (ج ۱۴، ص ۴۴۱، ۴۴۴) از جمله ذخیره کردن یخ در آنجا، نشان می‌دهد که خزانه‌الشراب در این دوره در مصر هم محل فروش یا عرضه دارو بوده و هم محل نگهداری مشروبات سلطان. در این دوره علاوه بر شراب‌خانه از «دواخانه» نیز یاد شده است (عمری، ج ۳، ص ۴۴۰) که ظاهراً مقصود از دومی، باید داروخانه‌های شهر بوده باشد. با توجه به اینکه شراب‌خانه به داروخانه برخی از بیمارستان‌ها از جمله بیمارستان عضدی بغداد و بیمارستان‌های عتیق فسطاط و منصوره قاهره نیز اطلاق شده (عیسی بک، ص ۲۰، ۲۱، ۷۲، ۸۷)، به نظر می‌رسد این واژه در بیمارستان‌ها معادل داروخانه بود و در قصر خلیفه یا سلطان مفهومی دوگانه داشت و توأمان محل نگهداری دارو و نوشیدنی‌ها به‌ویژه انواع شراب بود.

داروخانه در جهان اسلام با نام‌های دیگری همچون اجزاخانه در قلمرو عثمانی (عمری، ج ۱، ص ۶۵-۶۶)، صحت‌خانه در ایران (فلور،<sup>۱</sup> ص ۴۰)، نیز بیت‌الادویه شناخته می‌شد. «بیت‌الادویه» به طور محدود از قرن هشتم به بعد به کار رفته است. با توجه به اینکه از وجود آن در نزدیکی مدرسه‌ها یاد شده احتمالاً علاوه بر فروش دارو، فعالیت‌های درمانی نیز در آن انجام می‌شد (کاتب یزدی، ص ۱۱۴؛ مهدوی، ص ۲۰۴). در وقف‌نامه‌های ربع رشیدی، از بیمارستان این مجموعه با نام بیت‌الادویه یاد شده است که نشان می‌دهد این واژه به‌طور عام به بیمارستان هم اطلاق می‌شد (شیپمن،<sup>۲</sup> ص ۱۲۱). اگرچه واژه «دواخانه» به طور گسترده از قرن دهم به بعد، به‌ویژه در عصر قاجار در ایران به کار رفته است (مثلاً خورشاه، ص ۱۹۸؛ اعتمادالسلطنه، ج ۳، ص ۲۱۳؛ عین‌السلطنه، ج ۲، ص ۱۰۶؛ ج ۳، ص ۲۳۵؛ مستوفی، ج ۱، ص ۴۷۵، ۴۷۹؛ سپهر، ج ۱، ص ۱۳۷)، اما با توجه به کاربرد آن در قلمرو ممالیک به صورت

---

1. Floor  
2. Chipman

«دواخانه» (عمری، همانجا) می‌توان گفت که این واژه در ایران پیش از قرن هفتم نیز کاربرد داشته است.

### مکان‌های فروش دارو

#### دکان‌ها

فروش و عرضه دارو صرفاً وابسته به بیمارستان‌ها نبود و داروها از طریق دکان‌های داروفروشی و فروشندگان دوره‌گرد نیز در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گرفت. بازارهای داروفروشی نیز از همان نخستین قرون اسلامی برپا بود (مثلاً نک: ابن حوقل، ج ۱، ص ۱۱۹؛ فاکهی، ج ۲، ص ۲۰۹؛ ازرقی، ج ۲، ص ۲۵۰؛ معاضیدی، ص ۳۱۲). ابن ندیم (ص ۳۱۴) از کتابی با عنوان قاطیطیون [به معنای حانوت الطیب] در سه گفتار از بقراط حکیم با شرح جالینوس نام برده که حنین بن اسحاق آن را به سفارش محمد بن موسی خوارزمی به عربی برگردانده است. ما از محتوای این کتاب اطلاع نداریم تا بر اساس آن بدانیم که حانوت الطیب داروخانه بوده است یا مطب یا هر دو. معمولاً کتاب‌های اقربادین نظیر کتاب شاپور بن سهل (در گذشته در ۲۵۵ ق) و ابن تلمید (در گذشته در ۵۶۰ ق) در بیمارستان‌ها و دکان‌های داروفروشی (دکاکین الصیادله) مبنای عمل و دستور ترکیب داروها بود (نک: ابن ندیم، ص ۳۵۵؛ ابن ابی اصیبعه، ج ۲، ص ۶۰). شاید به همین دلیل گاهی اقربادین‌ها را کتاب الدکان هم می‌گفتند (نک: بروکلیمان، ج ۴، ص ۲۷۱-۲۷۲).

این دکان‌ها گاه متعلق به پزشکان بود و علاوه بر تجویز دارو، معاینه و معالجه بیماران و حتی آموزش طب و داروسازی هم در آن انجام می‌شد. برخی از این دکان‌ها در بازارها و یا نزدیک قصر خلیفه برپا بود که متصدیان آنها لزوماً تخصصی در این زمینه نداشتند و اطلاعاتشان مبتنی بر تجربه بود (مثلاً نک: ابن ابی اصیبعه، ج ۲، ص ۵۶-۵۷؛ ابن عساکر، ج ۵۱، ص ۳۳۴؛ ج ۵۳، ص ۳۱۸). این موضوع به‌طور خاص در مورد فروشندگان دوره‌گرد (موسوم به «پيله‌وران») دیده می‌شود که معمولاً بنا بر تشخیص خودشان به مراجعین دارو می‌دادند (الگود، تاریخ، ص ۳۱۰). حتی در خصوص افراد مشهوری چون اسحاق (پدر حنین)، سهل (پدر شاپور) و ماسویه (پدر

یوحنا) نیز که به داروفروشی مشغول بودند، مدرک روشنی دال بر فراگیری علم طب نزد اطبای متخصص وجود ندارد (همارنه، ۱ ص ۶۰).

از یک دکان داروفروشی در عهد خلافت معتضد عباسی (۲۷۹-۲۸۹ ق) یاد شده است که محل حضور بزرگان و صاحب‌منصبان دولتی همچون کاتبان و اهل بیوتات و همنشینی ایشان با مردم بود (مدنی، ص ۶۲). انتخاب دکان داروفروش برای این منظور، به نوعی نشان دهنده نگاه مثبت مردم و طبقه حاکم به این اماکن و صاحبان آنها بود. البته فقر و ناتوانی در پرداخت حق معاینه پزشکان متخصص و رسمی نیز در مراجعه مردم به عطاری‌ها بی تأثیر نبود (الگود، تاریخ، ص ۳۸). در دکان‌های داروفروشی، معمولاً روزها برخی از داروهای مختلف در درون سینی و بیرون از دکان در معرض دید عابرین قرار داشت و شب‌ها نیز برای دور کردن حیوانات، حفاظی از حصیر و برگ خرما جلوی دکان گذاشته می‌شد (همان، ص ۳۱۳). نزدیکان بیمار با مراجعه به داروفروش (گاه بدون مشورت با پزشک)، آنچه را لازم داشتند می‌خریدند (سامرای، ج ۲، ص ۳۴۵). به ندرت پیش می‌آمد که بیمار با در دست داشتن نسخه پزشک به داروفروش رسمی مراجعه کند. با این حال پزشکانی چون اسحاق بن عمران برای بیماران خود نسخه‌هایی می‌نوشتند تا دست داروخانه‌های شخصی را از فروش دارو به مردم کوتاه کنند (نک: ابن جلجل، ص ۸۴-۸۷). ابن جزّار نیز دستگیری برگزید تا تحت نظارت او داروهای بیماران را تهیه کند (همو، ص ۸۹-۹۰). این اقدامات ممکن است برای جلوگیری از دسترسی داروفروشان غیرماهر به نسخه‌های آنها و تجویز بر اساس آنها و در نتیجه اعتماد بیشتر مردم به پزشکان بوده باشد. با این حال پزشکانی نیز همچون ابن بدوخ (ابن ابی اصیبعه، ج ۴، ص ۷۴) و سید اسماعیل جرجانی (اقبال آشتیانی، ص ۴۲) هر دو از پزشکان قرن ششم در داروخانه نیز مشغول بودند.

شاردن در عصر صفوی از مبادرت هم‌زمان پزشکان به امر درمان و داروسازی و وجود دکانی بدین منظور در نزدیک خانه ایشان (ج ۳، ص ۱۱۲۴)، حضور داروفروشان در کاروان‌سراها (ج ۴، ص ۱۴۴۰)، دکان‌های داروفروشان در بازارها (ج ۴، ص ۱۴۴۳)، بازار داروفروشان (ج ۴، ص ۱۴۴۴) و وجود داروخانه در قصر شاه (ج ۴،

ص ۱۴۵۷) یاد می‌کند که حاکی از تداوم کار دکان‌های داروفروشی و فروشندگان دارو در عصر صفوی است.

#### بیمارستان‌ها

تأسیس داروخانه‌ها، به معنای عام به عنوان مکانی برای تجویز و فروش دارو، لزوماً منوط به وجود بیمارستان نبود و خانه حکیمان و پزشکان از اولین مکان‌های تجویز و فروش دارو بود. با این حال در بیشتر بیمارستان‌ها بخشی به نگهداری و فروش ادویه و اشربه اختصاص داشت (از باب نمونه نک: ابن اثیر، ج ۹، ص ۱۶، ۳۲۹؛ مقریزی، خطط، ج ۲، ص ۴۰۶).

داروخانه عمدتاً از اجزای اصلی بیمارستان به شمار می‌رفت و همانجا داروهای بیماران را بر اساس نسخه پزشک می‌پیچیدند. بیمارستان جندی شاپور نخستین بیمارستان بزرگی بود که داروخانه و بخش مربوط به داروسازی داشت. ماسویه، پدر یوحنا داروساز آنجا بود (قفطی، ص ۴۴۸). برخی بیمارستان شهر بغداد را که در دوره منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸ق) بنا شد، نخستین داروخانه عمومی در دوره اسلامی دانسته‌اند (الگود، تاریخ، ص ۳۱۲؛ حسین، ج ۲، ص ۳۰۶؛ قس: همارنه، ص ۵۹). بخشی از بیمارستان مؤیدی نیز که در سال ۴۳۱ق به عنوان نخستین بیمارستان شهر واسط به دستور ابوعلی رُحَجی وزیر مشرف الدوله بویهی بنا شد، به ادویه و اشربه اختصاص داشت (ابن اثیر، ج ۹، ص ۳۲۹). غالباً در داروخانه بیمارستان‌ها، دارو به طور رایگان در اختیار بیماران قرار می‌گرفت (حسین، ج ۲، ص ۳۰۵). مقریزی (همانجا) در وصف بیمارستان بزرگ منصوری قاهره (منسوب به سلطان منصور قلاوون) ضمن تأکید بر وجود همه‌مایحتاج بیماران در بیمارستان، از وجود دو مکان مستقل در آنجا یاد می‌کند که یکی برای تهیه «ادویه و اشربه» و دیگری برای ترکیب «معاجین و اکحال و شیافات و امثال آن» بود.

#### عطاری‌ها

واژه عطار که عموماً به معنی داروگر به کار می‌رود، در لغت به کسی گویند که با عطر، یعنی عصاره گل سرخ و دیگر مواد خوشبو سروکار دارد (دهخدا، ذیل واژه)، اما عطاران همچون پزشکان در زمره افرادی به شمار می‌رفتند که گاه به طور مستقل و گاه به عنوان دستیار پزشک به امر داروسازی می‌پرداختند (الگود، طب، ص ۳۷). باید توجه داشت که دکان عطاری از همان اول به محل فروش دارو اطلاق می‌شد و ارتباطی با

فروش عطر نداشت (صفا، ج ۲، ص ۸۵۹). اشتغال عطاران به امر داروسازی و داروفروشی غالباً مبتنی بر تجربه بود، نه به فراگیری علم طب؛ با این حال، آشنایی با داروها و ترکیب آنها برای عطاران ضروری بود (دمشقی، ص ۵۵). حکیم تنکابنی در تحفة المؤمنین (ص ۸) یکی از علل نگارش کتاب خود را جبران اشتباهات کتاب اختیارات بدیعی که مأخذ «عطاران بی بضاعت» و نابلد شده بود، آورده است.

در اینجا هم مانند دکان‌های داروفروشی، کتاب‌های داروشناسی غالباً مبنای عمل عطاران برای تجویز دارو بود و البته گاه با توجه به محتویات دکان عطاران، آثاری نوشته می‌شد. احمد بن عبدالملک قرطبی از پزشکان اندلس در قرن پنجم کتابی با عنوان حانوت العطار نوشت (نک: حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۶۲۴). همچنین بخشی از کتاب‌هایی که با عنوان حانوت الطیب نوشته می‌شد به داروفروشی اختصاص داشت (برای نمونه نک: ابن بیطار، ج ۱، ص ۴۹). در دوره ممالیک هم ابن ابی نصر کوهین عطار کتاب مشهور منهاج الدکان را نوشت که نشان می‌دهد اشتغال عطاران به داروفروشی در این دوره هم رایج بوده است.

اشتغال عطاران به داروفروشی در قرون هفتم و هشتم در مغرب اسلامی نیز تداوم داشت. مقریزی به دکان‌های عطاری در بازارهای مصر و شام اشاره کرده است (خطط، ج ۲، ص ۹۵؛ سلوک، ج ۳، ص ۹۰) که توضیحاتش دلالت بر فروش دارو در آن دارد. معمولاً پیشخوان دکان‌های عطاری در امتداد دهانه دکان قرار داشت و مشتریان در جلوی آن می‌ایستادند و اقلام مورد نیاز را می‌خریدند. تصمیم در باره نحوه مصرف دارویی که از سوی عطار تجویز می‌شد در بیشتر اوقات بر عهده خود بیمار بود (نک: الگود، طب، ص ۳۷).

علاوه بر مکان‌های یاد شده، در مدرسه‌ها (مثلاً نک: صفا، ج ۳، ص ۲۱۴) و مجموعه‌هایی همچون ربع رشیدی و سلطانیه (اقبال آشتیانی، ص ۳۱۰) نیز بخشی برای نگهداری و فروش ادویه و اشربه وجود داشت.

#### ساز و کار داروخانه‌ها

اندک اطلاعات موجود در باره بخش‌های مختلف داروخانه در قرون اولیه اسلامی غالباً بر پایه اطلاعات متون قرن هفتم هجری به بعد است. قلشندی داروخانه قصر سلطنتی را مکانی حاوی انواع نوشیدنی‌ها، معجون‌های کمیاب، عصاره‌های فاخر و انواع

داروها و عطریات کمیاب و همچنین انواع آلات و ظروف گران قیمت، معرفی می‌کند (قلقشندی، ج ۳، ص ۵۴۶؛ نویری، ج ۳۳، ص ۵۶. آصف، ص ۸۷-۸۸ از داروهای اعجاب‌انگیز داروخانه سلطان حسین صفوی همچون مغز سر پلنگ، شیر و اقسام مارها یاد کرده و آن را دارالشفای هفت کشور نامیده است). علاوه بر داروهای گیاهی، داروهای معدنی نیز در داروخانه‌ها تهیه شده و به فروش می‌رسید (ابن بطوطه، ص ۳۵).

داروخانه‌ها از حیث تاریخی و هنری نیز اهمیت داشت؛ چرا که از یک سو محل نگهداری اسناد پزشکی و از سویی دیگر حاوی ظروف سفالین و چینی به‌منظور ذخیره داروها بود (الگود، طب، ص ۳۶-۳۷). از این رو گاه برخی از داروخانه‌های بزرگ با کاخ‌های سلطنتی رقابت می‌کرد (همو، تاریخ، ص ۲۱۰). این موضوع به‌طور خاص در باره شراب‌خانه‌های قصر سلطنتی مصداق دارد. قسمتی از داروخانه‌ها نیز به ذخیره برخی از خوراکی‌ها همچون میوه‌ها و نیز نگهداری یخ اختصاص داشت (برای نمونه نک: عوفی، ج ۳، ص ۲۴۵؛ قلقشندی، ج ۱۴، ص ۴۴۴). نظام الملک (ص ۲۹۱-۲۹۲) در گزارشی از غارت اموال شراب‌خانه در کنار غارت فراش‌خانه و دربار یاد می‌کند که بیانگر وجود اشیای قیمتی در شراب‌خانه است. منابع مالی داروخانه‌ها و تأمین داروهای آن معمولاً از طریق موقوفاتی که شاهان و اشراف جامعه به آن اختصاص می‌دادند تأمین می‌شد.<sup>۱</sup>

داروخانه مجموعه ریح رشیدی به عنوان بخشی از بیمارستان این بنا، از نمونه‌های عالی داروخانه و داروفروشی در جهان اسلام است. بیشتر گزارش‌هایی که در باره این بیمارستان باقی مانده از وقف‌نامه آن است که در آن از این بیمارستان بیشتر با عنوان دارالشفای داروخانه و بیت الادویه یاد شده است (شیپمن، ص ۱۴۱؛ بلر، ص ۵۴). الگود (بدون ذکر منبع واسطه) به نقل از رشیدالدین فضل‌الله (در گذشته در ۶۹۶ق) از وجود هزاران ظرف چینی در بیمارستان تبریز یاد می‌کند که انواع داروها در آن نگهداری می‌شد (تاریخ، ص ۳۷). به این ترتیب محل مزبور به واقع گنجینه‌ای از محتویات علمی و هنری بود. در مکاتیب رشیدی چند نامه وجود دارد که بیانگر میزان توجه رشیدالدین فضل‌الله به غنای داروخانه است. او از پسران و یا ایادی خود از نقاط مختلف، تقاضای ارسال داروهای مخصوصی کرده است. مثلاً در نامه‌ای که در حقیقت به منزله حکم

۱. برای مثال، شاه سلطان حسین صفوی مزرعه‌ای را وقف دارالشفای دارالسلطنه قزوین کرد تا منافع آن صرف ادویه، اشربه و اغذیه بیماراران آنجا شود (نک: فهرست نسخ خطی کتابخانه الهیات مشهد، ش ۱۴۱).

مأموریت است، شخصی را موظف کرده تا مأمورانی را جهت تهیه داروهای خاصی به نقاط مختلف داخل و خارج از مملکت بفرستد. او همچنین از فرزند خویش جلال الدین در آسیای صغیر خواست که پانصد من از داروهای مختلف برای این بیمارستان بفرستد (رشیدالدین، ص ۹۲).

تهیه و تدارک داروها و نوشیدنی‌ها در داروخانه ربع رشیدی، در بخشی با عنوان «رواق المرتبین» انجام می‌شد (شیپمن، ص ۱۴۰). صفا‌ای نیز برای نگهداری داروها تعبیه شده بود که بر دهانه‌اش حفاظی مشبک قرار داشت (بلر، ص ۵۵). داروهای مختلف معمولاً در خمره‌هایی در انبار نزدیک دار الشفا برای مصرف چند ساله ذخیره و نگهداری می‌شد (امیدانی، ص ۶۵). داروخانه در روزهای دوشنبه تا پنجشنبه باز بود تا داروهای فهرست شده پخش شود (بلر، ص ۶۳). برای این کار لازم بود خازن و دواساز (شراب‌دار) در داروخانه حاضر باشند. بیماران برای دریافت دارو نزدیک در مشبک می‌آمدند و بر صفا می‌نشستند. پزشک کنار شبکه می‌نشست، نسخه می‌نوشت و به خازن می‌داد. او دارو را می‌آورد و از پشت شبکه تحویل بیمار می‌داد (شیپمن، ص ۱۴۲). در مواردی هم خود شراب‌دار برای تحویل غذا و داروی مورد نیاز بیمار به خانه بیمار می‌رفت. شراب‌دار بیمارستان ربع رشیدی می‌بایست حائز برخی شرایط همچون معتمد بودن و مصرف نکردن مشروبات الکلی می‌بود. او سالیانه چهل دینار مزد به همراه چهار من نان دریافت می‌کرد که در قیاس با دستمزد پزشک و جراح شاغل در ربع رشیدی که به ترتیب ۳۳۰ و ۱۰۰ دینار دریافت می‌کردند، مبلغی ناچیز و نزدیک به دستمزد کارکنان خدماتی بود (بلر، ص ۶۶).

#### افراد شاغل در داروخانه‌ها

در داروخانه‌ها یک رئیس و عده‌ای داروساز مشغول خدمت بودند. رئیس داروخانه با القاب مختلفی شناخته می‌شد. قمری بخاری (قرن چهارم) اذعان می‌کند که در قدیم فروشندگان دارو را «عقاقیری» و در روزگار او با عنوان «صیدلانی» می‌شناسند (قمری بخاری، ص ۱۱۷. نیز نک: ابن ابی اصیبعه، ج ۳، ص ۳۹. این عنوان در قرن‌های بعدی نیز کاربرد داشت: مثلاً نک: ابن العبری، ص ۱۲۷).<sup>۱</sup>

۱. عیسی بک (ص ۱۹) از رئیس داروخانه با عنوان «شیخ صیدلی بیمارستان» یاد می‌کند.

از رئیس داروخانه در دورهٔ ممالیک با عنوان «مهتار»<sup>۱</sup> و از دستیارانش با عنوان «شراب‌دار» یاد می‌شد (قلقشندی، ج ۴، ص ۹). گاه در مواردی که ذکرش گذشت، عنوان «شراب‌دار» به مسئول داروخانه نیز اطلاق می‌شد. در دورهٔ صفوی نیز به‌مانند دورهٔ ممالیک، رئیس داروخانه «مهتر» نام داشت و بعد از پزشک از حیث مقام و منزلت در مرتبهٔ دوم بود (الگود، تاریخ، ص ۴۰۳). در برخی موارد، داروساز علاوه بر ساخت و تجویز دارو وظیفه داشت به هنگام صرف غذای شاه، ادویه‌های لازم همچون فلفل، زعفران، ترنجبین، زیره و نبات را به حضور ببرد (راوندی، ج ۸، ص ۱۱۴). رئیس داروخانه در دورهٔ عثمانی «اجزاچی» نام داشت (محمد سعید القاسمی، ص ۳۶). القاب مذکور ضرورتاً به فرد داروساز اطلاق نمی‌شد و در موارد بسیاری به افرادی که صرفاً به داروفروشی اشتغال داشتند نسبت داده می‌شد (شیپمن، ص ۱۲۹).

#### نظارت بر داروخانه‌ها

نظارت بر اماکن داروفروشی و داروفروشان بر عهدهٔ دو گروه بود: داروخانه‌های شهر تحت نظارت نهاد حسبه بود و شراب‌خانه‌های قصر سلطنتی نیز توسط ناظران قصر کنترل می‌شدند. ظاهراً از دورهٔ معتصم عباسی نظارت بر داروفروشی بر عهدهٔ نهاد حسبه گذاشته شد (نک: عمر فروخ، ص ۴۸۴). در دورهٔ زنگیان و ایوبیان از منصب «رئیس العشابین» (صلابی، ج ۱، ص ۳۵۰). در دورهٔ ایوبی ابن بیطار از سوی ملک کامل به عنوان رئیس العشابین مصر انتخاب شد، نک: زرکلی، ج ۴، ص ۶۷). و در ایران قرن هشتم، از منصب خازن به عنوان ناظر داروخانه یاد شده است (شیپمن، ص ۱۴۱). این فرد در دورهٔ ممالیک، «ناظر» نامیده می‌شد و علاوه بر نظارت بر محتویات داروخانه، وظیفه داشت تا برای بیمارانی که توانایی مراجعه به داروخانه نداشتند دارو ببرد و یا در صورت مرگ آنها، امور مربوط به کفن و دفن آنها را انجام دهد (همو، ص ۱۳۸).

در تمام شهرها محتسبی برای نظارت بر داروفروشان وجود داشت (کردعلی، ج ۵، ص ۱۲۸) تا از رعایت بهداشت در این مکان و ممانعت از ساخت داروهای تقلبی اطمینان حاصل شود (الگود، طب، ص ۳۸). ابن اخوه (ص ۱۹۹) ضمن بیان وظایف محتسب، از ضرورت توجه او به جلوگیری از تجویز و فروش داروی اشتباهی به مراجعین

---

۱. کلمهٔ «مهتر» به معنی بزرگ یا بزرگ‌ترین است که در عربی به صورت «المهتار» درآمده و آن لقبی بوده که به بالاترین مقام در هر رسته از خدمتگزاران دربار داده می‌شده و معمولاً بر سر شغل یا تشکیلاتی که در آن خدمت می‌کرده در می‌آمده است، مانند مهتار شراب‌خانه یا مهتار رکاب‌خانه و مانند اینها (محمدی ملایری، ج ۵، ص ۳۰).

نیز یاد کرده است. توجه به هم‌جواری نبودن دکان‌هایی مثل نانوايي و آهن‌گري که در آنها آتش افروخته می‌شد با دکان‌های عطاری که بعضاً کالاهاى قابل اشتعال داشتند (همو، ص ۱۱-۱۲)، جلوگیری از کم‌فروشی و نظارت بر اوزان و پیمانها (حسین، ج ۲، ص ۳۰۷)، تفتیش هفتگی داروها (همو، ج ۲، ص ۳۰۹)، نظارت بر روش تهیه داروها و سرکشی بدون اطلاع قبلی به دکان داروفروش و واریسی آن حتی بعد از بسته شدن دکان (الگود، تاریخ، ص ۳۱۲) از دیگر وظایف محتسب در ارتباط با داروخانه بود.

شراب‌خانه‌هایی که در قصر خلیفه قرار داشت تحت نظارت افراد دیگری بود. در واقع از آنجا که شراب‌خانه یکی از عمارت‌های قصر بود، (مقریزی، خطط، ج ۲، ص ۳۱۰) یکی از مأمورین قصر بر آن نظارت داشت. نظام الملک (ص ۱۱۹) از وکیل خاص به عنوان ناظر بر شراب‌خانه یاد می‌کند. از این منصب در دوره ممالیک با نام های مختلفی چون «استادار» (قلقشندی، ج ۴، ص ۲۱) و «شاد»<sup>۱</sup> یاد شده است.

#### نتیجه

«خزانه الشراب» قدیمی‌ترین واژه‌ای است که برای داروخانه به کار رفته است. این واژه در اصل به محل نگهداری نوشیدنی‌های سلطان گفته می‌شد و احتمالاً به سبب اینکه اکثر داروها از نوع نوشیدنی بود، به طور توأمان به داروخانه نیز اطلاق می‌شد. البته این کارکرد دوگانه مختص قصر سلطان بود و در مورد بیمارستان‌ها، «خزانه الشراب» صرفاً به داروخانه اشاره داشت. با این حال از قرن ششم هجری به بعد در ایران به طور جداگانه از «داروخانه» و «شراب‌خانه» یاد شده است؛ هرچند در غرب اسلام کماکان «خزانه الشراب» به معنای داروخانه نیز به کار می‌رفت.

داروفروشی در ابتدا در جهان اسلام در قالب دکان‌های داروفروشی، خانه حکیمان و پزشکان، عطاری‌ها و فروشندگان دوره‌گرد انجام می‌شد و ارتباطی با بنای بیمارستان در اسلام ندارد. حتی بعد از تأسیس بیمارستان‌ها در قرن دوم هجری، داروفروشی دوره‌گردی همچنان تداوم داشت. این امر از یک سو سبب شد تا پزشکان شرایطی فراهم آورند که نسخه‌های تجویزشان به دست این افراد نیفتد و از سویی حکومت نیز نظارت

---

۱. «شاد» عنوانی عام برای مدیران و ناظران دیوانی بود که رابط بین بخش‌های مختلف قصر با خلیفه بود و از افرادی به شمار می‌رفت که به حضور سلطان می‌رسید (قلقشندی، ج ۴، ص ۲۲). ابن خلدون (ج ۵، ص ۵۱) از شخصی به نام احمد به عنوان «شاد الشرابخانه» یاد کرده است که در دوره‌ای امور دولت ممالیک را به دست گرفت. این مطلب نشان از اهمیت و نفوذ این منصب دارد.

درآمدی بر تشکیل داروخانه.../ ۲۳۳

بر مکان‌های داروفروشی را تشدید و قاعده‌مند کند. این موضوع در کنار ضرورت دانش تخصصی در شناختن داروها و تجویز آنها به تدریج به جدایی حرفه داروسازی از پزشکی منجر شد. با وجود این، فروش دوره‌گردی دارو تا عصر صفویه در ایران و برخی نقاط دیگر جهان اسلام تداوم یافت. اشتغال عطاران به داروفروشی نیز بیشتر به سبب تجربه پزشکی ایشان بود نه آموخته‌های علمی ایشان. داروخانه‌ها علاوه بر اهمیت از حیث وجود انواع داروها، به دلیل نگهداری اسناد پزشکی و انواع ظروف گران‌قیمت از حیث علمی و هنری نیز حائز اهمیت بود.

## منابع

- آصف، محمدهاشم. (١٣٨٢ش). رستم التواريخ. به كوشش ميترا مهرآبادى. تهران: دنياى كتاب.
- آملى، شمس الدين محمدبن محمود. (١٣٨١ق). نفائس الفنون فى عرائس العيون. به كوشش أبوالحسن شعرانى. تهران: اسلامية.
- ابن ابى اصيبعه. (٢٠٠١م). عيون الأبناء فى طبقات الأطباء. تحقيق عامرنجار. قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- ابن ابى نصر، كوهين العطار. منهاج الدكان و دستور الاعيات فى اعمال و تركيب الادوية النافعة للابدان. مصر: دارالكتب العربية الكبرى. [بى تا].
- ابن اثير (١٣٨٥ق/١٩٦٥م). الكامل فى التاريخ. بيروت: دار صادر.
- ابن اخوه. (١٤٠٨ق). معالم القرية فى أحكام الحسبة. به كوشش صديق عيسى المطيعى و محمد محمود شعبان. قم: مكتب الأعلام الإسلامى.
- ابن اسفنديار. (١٣٦٦ش). تاريخ طبرستان. به كوشش عباس اقبال آشتيانى. تهران: پديده خاور.
- ابن بطوطة. (١٤١٧ق). رحلة ابن بطوطة. به كوشش عبدالهادى تازى. رياض: اكاديميه المملكة المغربية.
- ابن بيطار، عبدالله بن احمد. (١٤١٢ق). الجامع لمفردات الأدوية و الأغذية. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن جليل. (١٩٥٥م). طبقات الأطباء و الحكماء. تحقيق فؤاد سيد. قاهره: مطبعة المعهد العلمى الفرنسى.
- ابن جوزى، عبدالرحمن بن على. (١٤١٢ق/١٩٩٢م). المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك. تحقيق محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا. بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن حوقل. (١٩٣٨م). صورة الأرض. بيروت: دار صادر.
- ابن خلدون. (١٤٠٨ق/١٩٨٨م). كتاب العبر و ديوان المبتدأ و الخبر فى تاريخ العرب و البربر. تحقيق خليل شحادة. بيروت: دار الفكر.
- ابن العبرى. (١٩٩٢م). تاريخ مختصر الدول. تحقيق انطون صالحانى اليسوعى. بيروت: دار الشرق.
- ابن عساكر، على بن حسن. (١٤١٥ق). تاريخ مدينة دمشق. به كوشش على شيرى. بيروت: دار الفكر.
- ابن كنان دمشقى. (١٤٢١ق/١٩٩١م). حقائق الياسمين فى ذكر قوانين الخلفاء و السلاطين. به كوشش عباس صباغ. بيروت: دار النفائس.
- ابن نديم. (١٣٥٠ش). الفهرست، تحقيق محمدرضا تجدد. تهران.
- ابن مقفع. عبدالله. كليله و دمنه. بيروت: دارالقلم. [بى تا].

درآمدی بر تشکیل داروخانه.../۲۳۵

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان. (۱۳۶۷ش). تاریخ منتظم ناصری. به کوشش محمد اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.

اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۴ش). تاریخ مغول. تهران: امیرکبیر.  
الگود، سیریل. (۱۳۸۶ش). تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه باهر فرقانی. تهران: امیرکبیر.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۵۷ش). طب در دوره صفویه. ترجمه محسن جاویدان. تهران: دانشگاه تهران.  
امیدبانی، حسین. (پاییز ۱۳۷۸ش). «ربع رشیدی، مجتمع بزرگ وقفی، علمی و آموزشی در تبریز (قرن هشتم هجری سیزدهم میلادی)». وقف میراث جاویدان، شماره ۲۷.  
بروکلمان، کارل. (۱۹۷۷م). تاریخ الادب العربی. ترجمه عبدالحلیم نجار. مصر: دارالمعارف.  
بکری، محمدبن معصوم. (۱۳۸۲ش). تاریخ سند. به کوشش عمر بن محمد داود پوته. تهران: اساطیر.

بلر، شیلا. (پاییز ۱۳۸۷ش). «معماری و جامعه در دوره ایلخانیان (تحلیل وقف‌نامه ربع رشیدی)». ترجمه مهرداد قیومی. گلستان هنر، شماره ۱۳.

تاجبخش، حسن. (۱۳۷۹ش). تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

حاجی خلیفه. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دار احیاء التراث العربی. [بی تا].  
حافظ ابرو، عبدالله. (۱۳۷۵ش). جغرافیا. به کوشش صادق سجادی. تهران: میراث مکتوب.  
حسین، محمدکامل (۱۳۸۷ش). الموجز فی تاریخ الطب و الصيدلة عند العرب. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.

حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود. (۱۳۸۵ش). ریاض الفردوسخانی. به کوشش ایرج افشار و فرشته صرافان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

خورشاه بن قباد. (۱۳۷۹ش). تاریخ ایلچی. به کوشش محمدرضا نصیری و کوئیچی هانه‌دا. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۴ش). لغت‌نامه. زیر نظر محمد معین. تهران: چاپخانه دانشگاه تهران.  
دمشقی، جعفر بن علی. (۲۰۰۹م). الإشارة إلى محاسن التجارة و غشوش المدلسین فیها. به کوشش محمود الأرنؤوط. بیروت: دار صادر.

راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲ش). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.  
رشیدالدین فضل‌الله. (۱۳۵۸ش). سوانح الافکار. به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه. تهران.

زرکلی، خیرالدین بن محمود. (۲۰۰۲م). الأعلام. بیروت: دارالعلم للملایین.  
سامرای، کمال. (۱۹۸۵م). مختصر تاریخ الطب العربی. بیروت: دارالنضال.

- سیهر، عبدالحسین خان. (۱۳۸۶ش). مرآت الوقایع مظفری. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: میراث مکتوب.
- سراج عقیف، شمس. (۱۳۸۵ش). تاریخ فیروزشاهی. به کوشش حسین ولایت. تهران: اساطیر.
- سزگین، فؤاد. (۱۳۷۹ش). تاریخ نگارش های عربی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳ش). مطلع سعدین و مجمع بحرین. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شاردن، ژان. (۱۳۷۲ش). سفرنامه. ترجمه اقبال یغمایی. تهران: توس.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸ش). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- صلّابی، علی محمد. (۱۴۲۸ق/۲۰۰۷م). عصر الدولة الزنکیة... قاهرة: مؤسسة اقرأ للنشر و التوزیع و الترجمة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م). تاریخ الرسل و الملوک. تحقیق محمد أبو‌الفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
- ظہیری سمرقندی، محمد بن علی. (۱۳۸۱ش). سندبادنامه. به کوشش محمدباقر کمال‌الدینی. تهران: میراث مکتوب.
- عمر، أحمد مختار. (۱۴۲۹ق/۲۰۰۸ش). معجم اللغة العربية المعاصرة. عالم الكتب.
- عمری، ابن فضل‌الله. (۱۴۲۴ق). مسالک الأبصار فی ممالک الأمصار. به کوشش مصطفی مسلم و دیگران. ابوظبی: المجمع الثقافي.
- عیسی بک، احمد. (۱۴۰۱ق). تاریخ البیمارستانات الاسلامیه. بیروت: دارالرائد العربی.
- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷ش). معجم الأطباء. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- عوفی، سدیدالدین محمد. (۱۳۸۶ش). متن انتقادی جوامع الحکایات و لوازم الروایات. به کوشش امیربانو مصفا و مظاهر مصفا. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عین‌السلطنه، قهرمان میرزا. (۱۳۷۴ش). روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر.
- فاضل، محمود. (۱۳۵۵-۱۳۶۱ش). فهرست نسخ خطی کتابخانه الهیات مشهد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فاکھی، محمد بن اسحاق. (۱۴۲۴ق). أخبار مکة فی قدیم الدهر و حدیثه. به کوشش عبدالملک ابن دهیش. مکة: مکتبة الاسدی.
- فروخ، عمر. (۱۳۶۱ش). «زیست‌شناسی و علوم پزشکی در اسلام». ترجمه غلامحسین صدری افشار. همدان، ش ۳۵.
- قاسمی، محمدسعید و دیگران. (۱۹۸۸م). قاموس الصناعات الشامیه. دمشق: دارطلاس.

درآمدی بر تشکیل داروخانه.../۲۳۷

قزوینی اصفهانی، محمد یوسف واله. (۱۳۸۲ش). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم. به کوشش محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

قفطی. (۱۳۷۱ش). تاریخ الحكماء. به کوشش بهین دارایی. تهران: دانشگاه تهران. قلقشندی، أحمد بن عبدالله. صبح الأعشى فى صناعة الإنشاء. به کوشش محمدحسین شمس‌الدین. بیروت: دارالکتب العلمیة. [بى تا].

قمری بخاری، حسن بن نوح. (۱۳۸۷ش). التنوير. تحقيق محمد كاظم امام. تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.

کاتب یزدی، احمد. (۱۳۸۶ش). تاریخ جدید یزد. به کوشش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.

کردعلی، محمد. (۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م). خطط الشام. دمشق: مكتبة النورى.

مدنی، علی خان بن احمد. (۱۴۲۶ق). رحلة ابن معصوم المدني. به کوشش شاکر هادی شکر. بیروت: دارالعربية للموسوعات.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴ش). شرح زندگانی من. تهران: زوار.

معاذی، عبدالقادر سلمان. (۱۴۲۶ق). واسط فى العصر العباسی. بیروت: دارالعربية للموسوعات.

مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م). السلوك لمعرفة دول الملوك. تحقيق محمد عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیة.

\_\_\_\_\_ . خطط (المواعظ و الاعتبار فى ذکر الخطط و الآثار). قاهره: مكتبة الثقافة الدينية. [بى تا].

منهاج سراج. (۱۳۶۳ش). طبقات ناصری. به کوشش عبدالحی حبیبی. تهران: دنیای کتاب.

مهدوی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۶ش). اصفهان دارالعلم شرق. به کوشش محمدرضا نیل‌فروشان. اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری.

نظام الملک. (۱۳۷۸ش). سیرالملوک. به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: علمی و فرهنگی.

نویری، أحمد. (۱۴۲۳ق). نهاية الأرب فى فنون الأدب. قاهرة: دارالکتب و الوثائق القومية.

Chipman, Leigh. (2010). *the World of Pharmacy and Pharmacists in Mamluk Cairo*. Leiden & Boston: Brill.

Floor, Willem. (2012). "Hospitals in Safavid and Qajar Iran: An Enquiry into Their Number, Growth and Importance." in *Hospital in Iran and India: 1500-1950s*. Leiden: Brill.

Hamarneh, Sami. (1962). "the Rise of Professional Pharmacy in Islam." *Medical History*, Volume 6, Issue 01. pp. 59-66.